

# تداوم ساختار خانواده گسترده در خانه‌های تک خانواری معاصر؛ نمونه موردی: بررسی سکونت خانوادگی مهاجران افغان در ایران

مسعود ناری قمی\*

مهدی ممتحن\*\*

معصومه احسانی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

علمی پژوهشی

## چکیده

خانواده گسترده در میان انواع گونه‌های خانواده، کهن‌ترین شکل جوامع انسانی است که در روزگار معاصر کم‌رنگ شده است؛ این در حالی است که کیفیت حیات اجتماعی مورد تأکید در ادبیات علوم اجتماعی، در این نوع از خانواده، بسیار فراتر از انواع دیگر است. در این پژوهش با هدف تلاش برای احیای وجوه مثبت این الگو، موضوع خانواده گسترده و نقش آن در شکل‌گیری مسکن، در دو بخش مطالعه شده است. در بخش نخست، پیشینه الگوهای سنتی و مدرن خانواده گسترده، بررسی شده است که دستاورد آن، معرفی تعداد زیادی الگو، به‌جز حیاط مرکزی، در جوامع سنتی اسلامی برای خانواده گسترده و معرفی گستره وسیعی از قالب‌های کالبدی مرتبط با خانواده گسترده در جوامع سنتی خارج از عالم اسلام است. همچنین با بازتعبیر از مفهوم گستردگی خانواده در این پژوهش، نمونه‌های زیادی از دوره مدرن (مذهبی و غیرمذهبی) با موضوع خانواده گسترده، پیوند داده شده است. در بخش دوم مقاله، برای روشن‌تر کردن وضعیت خانواده گسترده به‌عنوان یک الگوی ایدئالی در اسلام در دوره معاصر و امکان بازتولید این الگو در جامعه غیرسنتی پیمایش میدانی روی مهاجران افغانی (به‌واسطه شایع بودن نسبی خانواده گسترده در جامعه معاصر افغانستان و سکونت طولانی مدت آنان در جامعه ایرانی) در نظر گرفته شد که تعداد ۳۶ خانوار افغان از ناحیه قم با فرایند مشابه روش گلوله‌برفی انتخاب شدند. برای تهیه اطلاعات مردم‌نگاری دو مرحله مطالعه انجام شد. در مرحله اول با استفاده از ابزار مشاهده، پرسشنامه باز، و نیمه‌باز و مصاحبه، اطلاعات خانواده‌های مهاجر برداشت شد. برای مرحله دوم از مصاحبه عمیق با سه نفر، که تجارب زندگی آن‌ها پرکننده طیف نسبتاً کاملی از خاطرات زیسته باشد، استفاده شد. اطلاعات مزبور در سه محور مفهومی تحلیل شده است: تداوم ذهنیتی، عاطفی، تداوم رفتاری و تداوم کالبدی ساختار خانواده گسترده؛ بررسی حاضر نشان داد که افرادی که پیشینه و تجربه زیست در خانواده گسترده درون کالبد سنتی داشته‌اند، نه‌تنها نسبت عاطفی با الگوهای رفتاری مربوط به خانواده گسترده را تا حد زیادی حفظ می‌کنند، بلکه امکانات اندک کالبد مدرن را نیز در جهت باز تولید الگوهای فضا - رفتار گذشته به فعلیت درمی‌آورند.

## کلیدواژه‌ها:

خانواده گسترده، الگوی مسکن، مهاجران افغانی، تداوم کالبدی، تداوم رفتاری.

\* استادیار، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشکده پسران قم. نویسنده مسئول. msnarighomi@ut.ac.ir

\*\* استادیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

\*\*\* کارشناس معماری، دانشگاه کاشان

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۱۶ - پاییز و زمستان ۹۸

۱۳۳

## پرسش‌های پژوهش

۱. کدام الگوهای فضایی در معماری مسکونی گذشته و معاصر، الگوی خانواده گسترده را پشتیبانی کرده است؟
۲. با توجه به شایع بودن نسبی خانواده گسترده در جامعه مهاجران افغانستان (به‌عنوان یک نمونه) چه نسبتی میان کیفیت تعامل الگوهای فضایی خانه بومی و خانه مهاجری با روابط خانواده گسترده، در میان آنان وجود دارد؟

## مقدمه

ساختار خانواده، در طول دوران سنتی کمابیش ثابت بوده و همان شکل ثابت مبنای برنامه‌ریزی مسکن سنتی بوده است و در دوران اخیر به تدریج تغییرات زیادی بر آن عارض شده است. اصالت خانواده گسترده (مبتنی بر وجود بیش از یک زوج یا نقش‌های برخاسته از زوجیت در یک خانه) در انواع جوامع بومی دیده می‌شود (سگالن ۱۳۷۰، ۲۲) اما توجهات آن متفاوت است. برخی بر اساس موضوعات اقتصادی تولیدی مصرفی به توجیه آن پرداخته‌اند که مجموعه‌ای از افراد شامل ارباب تا برده و مستخدم، جزئی از آن بوده‌اند (اعزازی ۱۳۹۴، ۱۱) دیدگاه دیگر ظهور خانواده گسترده را به‌جای یک الزام جمعیتی، یک اتفاق تفکیکی تلقی می‌کند؛ یعنی خانواده گسترده در اثر انحلال کلیت قبیله‌ای یا تیره و تفکیک آن به قطعات کوچک‌تر ایجاد شده است (مظاهری ۱۳۷۳، ۳) درحالی‌که این دو نگاه به‌طور طبیعی با تغییر شرایط اجتماعی رأی به اضمحلال نهایی این نوع از خانواده می‌دهد (ساروخانی ۱۳۷۰، ۱۷) و ساختار گسترده خانواده سنتی، در دنیای مدرن شده شهری نیز کمتر به چشم می‌خورد، برخی پدیده‌های معاصر نشان از دوام و حتی احیای این ساختار دارد. دوام ساختارهای اجتماعی سنتی در بسیاری از نقاط جهان و ظهور نیاز مجدد به استفاده از همیاری خانوادگی برای بهبود وضع اقتصادی یک نمونه این موارد است (بستان ۱۳۸۳، ۵۱). این نگاه اقتصادی باعث شده که در الگوهای نوین استراتژی کارآفرینی به برنامه‌ریزی‌های متکی بر خانواده گسترده برای زندگی مدرن مجدداً توجه شود (Hausner and Freeman 2009). در این میان، وجه انسانی - اخلاقی خانواده گسترده که با مفاهیم حمایت و مراقبت از یکدیگر در تمام عمر درآمیخته است (بستان ۱۳۸۳، ۵۲) آن را به‌صورت یک الگوی مثالی بی‌زمان و بی‌بديل برای نگرش دینی مطرح ساخته است؛ به‌طوری‌که تعلیمات اسلامی، چنان‌که مستندات آن خواهد آمد، به این امر به‌عنوان یک الزام دینی نگریسته است. مدرنیسم در معماری، به اشکالی متفاوت و غالباً متعمدانه، بر این تغییر ساختار تأثیر داشته است و بنیاد برخاسته از تفکرات عصر روشنگری اروپا و تفکر مارکسیستی بسیار از متفکران مدرنیست، الگوی سنتی خانواده را برای آنان به‌عنوان یک طاعون که باید با آن مقابله شود، مطرح کرد (Teige 2002, 10) و آنان برای رفع این مانع از مقابل آرمان‌هایشان تلاش زیادی کردند که تا امروز نیز ادامه دارد (برای مثال نک: اعزازی ۱۳۹۴، ۲۲ و ۲۳). تأثیر این امر در کشورهای اسلامی، به‌صورت اجبار از بالا به پایین و با برنامه‌ریزی‌های متکی به تحصیل کرده‌های دانشگاهی درس خوانده در سیستم غربی، آثار خود را در دهه‌های اخیر آشکار کرده است، اما از آنجا که مسکن، کیفیت خودروی خود را حفظ کرده، همچنان تأکید بر ساختار گسترده خانواده را می‌توان دید. با این حال در میانه دنیای مدرن نیز ظهور قابل توجه انواع خاصی از خانواده گسترده را در شکل زیستگاه‌های مهاجری (Schmitz and Sen 2015, 24) و زیستگاه‌های گروه‌های تحول‌خواه اجتماعی (Sanoff 2000, 181-199) می‌توان دید.

این پژوهش متمرکز است بر نوع خاصی از زیست که در شهر معاصر ایران، رگه‌هایی از خانواده گسترده در آن دیده می‌شود. این زیست مربوط به مهاجرانی است که پیش‌تر در ساختار خانواده‌های گسترده رشد کرده‌اند و این مطالعه به بررسی میزان امتداد ساختار اجتماعی و کالبدی خانواده گسترده در زندگی حال حاضر این افراد می‌پردازد تا از طریق آن قابلیت‌های محیط معاصر را برای احیای این مفهوم و تداوم آن ارزیابی کند.

## ۱. مقایسه خانواده گسترده در فرهنگ دوران سنتی عالم اسلام و فرهنگ های سنتی و معاصر دیگر

بررسی های جامعه‌شناسی خانواده گسترده نشان می‌دهد که این الگو و ساختارهای کالبدی مرتبط با آن در اکثر جوامع سنتی وجود داشته است (نک: جدول ۱ و ۲). الگوهای کالبدی استقرار خانواده گسترده عمدتاً به صورت حیات مرکزی است اما در نواحی سردسیر ممکن است یک راهرو میانی یا فضای مرکزی سرپوشیده، نقش جایگزین حیات را ایفا کند. نگاه اسلام به ساختار اجتماعی، خانواده محور است که این امر به وضوح در منابع اصلی سنت اسلامی دیده می‌شود. در میان الگوهای مختلف زندگی خانوادگی، تأکید دین بر خانواده گسترده مبتنی بر همزیستی نسل‌های متوالی است. الگوی اصلی مورد نظر اسلام در آیه ۲۳ سوره اسرا تشریح شده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدار! و بر آن‌ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آن‌ها بگو) (مکارم ۱۳۷۳، ج. ۱: ۲۸۴). این آیه را مفسران (قرآنی ۱۳۸۳، ج. ۵: ۴۱) مستند لزوم نگهداری پدر و مادر در سن پیری در خانه فرزندان دانسته‌اند و این امر، کاری حداقلی در قبال محبت آنان در نگهداری از کودک دانسته می‌شود. به این صورت، زندگی خانوادگی به شکل گسترده و بالاجزای شکل عمودی آن در اسلام مؤکداً توصیه شده است و این امر با توجه به روایت اصول کافی (کلینی رازی ۱۳۷۵، ج. ۴: ۴۶۵)، منحصر به پدر و مادر مسلمان نیست و خانواده، جدا از مسئله مذهب، خود در اسلام واجد اصالت است و ساختار آن باید در خانه حفظ شود. آیه ۶۱ سوره نور، بعد خانواده گسترده را به اقوام درجه اول نظیر عموها، خاله‌ها، عمه‌ها و... توسعه می‌دهد. حکم ارائه شده در این آیه قرآن، روابط خانوادگی را در شکل گسترده آن، بسیار تسهیل می‌کند و آن را از حوزه شمول قواعد سخت جزایی، تا حد زیادی خارج می‌کند. زندگی خویشاوندان در یک خانه با چنین مجوزی، کمتر می‌تواند منجر به درگیری شود.





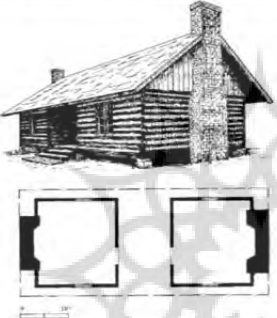
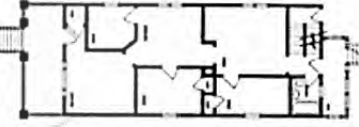
تصویر ۱: ساختار غالب خانواده‌های ساکن در یک خانه در جهان اسلام در دوران سنتی، از الگوی خانواده گسترده پیروی می‌کرده است که عمدتاً عمودی (نسل‌های مختلف) است و در مناطق قبایلی، ساختار افقی (فرزندان یک پدر و مادر یا زنان متعدد یک نفر) نیز دیده می‌شود (مرتضی ۱۳۸۷).

در کنار الگوی عمودی فوق، الگوهای افقی خانواده گسترده در قالب «الگوی خانواده گسترده چندهمسری» و سپس «همزیستی متکی بر ارتباط خدماتی (کارفرما - کارگر، ارباب - برده، صاحب‌خانه - خدمتکار و...)» در دوره سنتی در جوامع اسلامی وجود داشته است. این الگوی زندگی خانوادگی در شکل مسکن جوامع اسلامی تأثیر بنیادی داشته است به نحوی که مبدأ توجه ویژه به الگوی حیاط مرکزی را در سرتاسر عالم اسلام می‌توان به آن نسبت داد (راپوپورت ۱۳۸۸؛ Petrocciell 2006) وقوع این الگو در نواحی فاقد توجیه اقلیمی مانند سواحل جنوبی ایران، سواحل مدیترانه، و یا حتی نواحی کوهستانی، مؤید اصالت نقش سبک زندگی در شکل‌گیری این الگوست. اگرچه فرایند شکل‌گیری یک خانه حیاط مرکزی بر اساس الگوی خانواده گسترده درباره خانه‌های تاریخی قابل اثبات تجربی نیست، یک نمونه مطالعه‌شده معاصر در نواحی روستایی ترکیه این نسبت را به‌وضوح بیان می‌کند (Ozdeniz et al. 1998). نسبت خانواده گسترده با فرم معماری، تنها در الگوی حیاط مرکزی خلاصه نمی‌شود. در مدل چندهمسری، معمولاً حیاط مرکزی، گزینه اصلی است که امکان گسترش برابر خانه را برای زوجات مختلف امکان‌پذیر می‌کند (Anwarul Islam and Al-Sanafi, 2006).

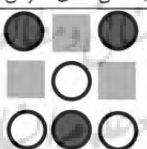

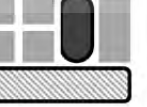





الگوی حیاط مرکزی، امکان توسعه منظم خانه را با افزایش بعد خانوار فراهم می‌کند؛ این افزایش بعد با تعدد فرزندان یا تعدد زوجات، واقع می‌شود و در صورت عدم کفایت بناها در چهار وجه حیاط، توسعه‌های بعدی با افزودن حیاط‌های بعدی، در بیرون محوطه یا در صورت عدم امکان توسعه بیرونی، با تقسیم حیاط مرکزی، انجام می‌شود. وقوع این نمونه در پیش از اسلام در مواردی که تعدد زوجات از نظر فرهنگی ممکن بوده است به‌صورت استثنایی دیده می‌شود. برای نمونه ابن اثیر در شرح یک کاخ غیرعادی از هرمز، پسر انوشیروان اشاره می‌کند که برخلاف کاخ‌های نواحی بین‌النهرین حیاط مرکزی داشته است و ضرورت آن تعدد زوجات بوده است (ابن اثیر ۱۳۷۱، ج. ۵: ۱۴۱). به‌جز الگوی حیاط مرکزی در گوشه کنار عالم اسلامی، الگوهای محلی خاصی برای جای دادن خانواده گسترده، به‌ویژه نمونه عمودی آن، ایجاد شده است (نمونه‌های اشاره‌شده یمن و جده عربستان در جدول ۳ و ۴). انواع الگوهای فضایی برای استقرار خانواده گسترده در جوامع سنتی اسلامی در جدول آمده است. مدل «حیاط مرکزی» با خانواده گسترده مذهبی الگوی اصلی سکونت سنتی در ایران تا دوره مدرن سازی بوده است (معماریان ۱۳۸۷، ۱۵۴). در ابتدای مدرن سازی ایران (اواسط قاجار) نوع دیگر از خانواده گسترده به‌صورت استقرار چند خانوار در اتاق‌های مشرف به یک حیاط مرکزی، دست‌کم در تهران رایج شده است (حائری مازندرانی ۱۳۸۷، ۵۷).

بررسی جداول ۱ تا ۶ نشان می‌دهد که سه امر مفروض درباره خانواده گسترده و نسبت آن با معماری قابل بحث است. نخست آنکه الگوی خانواده گسترده یک موضوع صرفاً سنتی نیست و در دنیای مدرن به انحاء مختلف ظهور کرده، گرچه محتوا و مبانی اخلاقی آن مغایر با دوره سنتی است. دومین موضوع، نوعی شباهت الگویی در چیدمان فضایی خانه‌ها در نمونه‌های سنتی کشورهای شرقی و غربی است که در نمونه مدرن دیده نمی‌شود؛ در هر دو وجود یک یا چند فضای اشتراکی که حضور در آن الزامی است، قابل رؤیت است؛ همچنین فضاهای مستقل برای هر خانوار به‌صورت نسبتاً خودکفا و با تعریف حریم اختصاصی در همه وجود دارد. ارتباط بین این دو عرصه نیز با یک فضای نیمه‌عمومی برقرار شده است؛ یعنی سلسله‌مراتبی از عرصه‌های عمومی تا کاملاً خصوصی وجود دارد. موضوع سوم، عدم انحصار الگوهای سکونت خانواده گسترده به پلان‌های حیاط مرکزی است. در دوران سنتی الگوهای همزیستی عمودی، همزیستی مبتنی بر فضای مشترک بسته یا نیمه‌باز به همان اندازه حیاط مرکزی در ناحیه شرقی گسترش دارد. در بناهای سنتی غربی بنا شدن موضوع خانواده گسترده بر روابط شغلی و اقتصادی، نقش فضای مشترک (چه باز چه بسته) را کم‌رنگ می‌کند و در مقابل، چیدمان زنجیره‌ای فضاهای نسبتاً مستقل اهمیت می‌یابد. در نمونه‌هایی دوره مدرن، به جای سلسله‌مراتبی از فضای اشتراکی تا فضای انفرادی، بر گزینه‌های تک‌وجهی (یا کاملاً اشتراکی یا کاملاً مستقل) تأکید می‌شود.

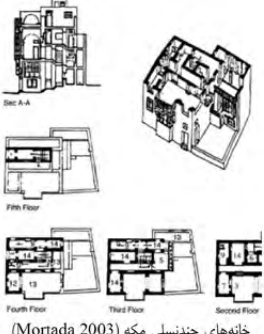
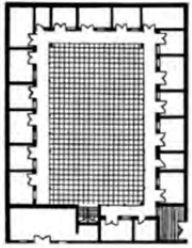
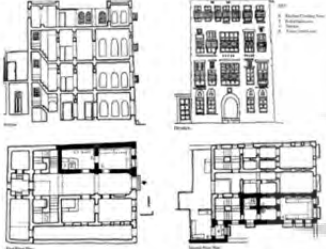
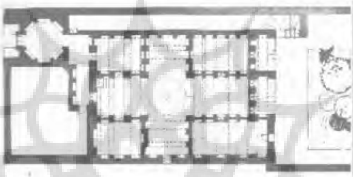

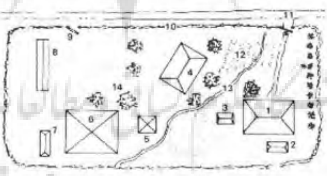

جدول ۱: نمونه‌های سنتی غیرمسلمانان در استقرار خانواده گسترده

				نمونه	خانواده چند نسلی سنتی یکن (schoenauer 2000, 192-193)	مبنای تشکیل خانواده گسترده
اجتماعی	اقتصادی	اجتماعی	اقتصادی			
				نمونه	خانه اجتماعی بر اساس روابط تولیدی (Hubka & Kenny 2000; Noble 2007, 36)	مبنای تشکیل خانواده گسترده
اجتماعی	اقتصادی	اجتماعی	اقتصادی			

جدول ۲: الگوهای کالبدی استقرار خانواده گسترده (نمونه‌های سنتی غیرمسلمانان بر اساس جدول ۱)

نمونه	الگوی کالبدی توزیع دسته‌های وابسته	موقعیت افقی فضای اشتراکی	موقعیت عمودی فضای اشتراکی
خانواده چند نسلی سنتی یکن (schoenauer 2000, 192-193)	خانه شهری سنتی یکن مبتنی بر ساختار پدرسالارانه خانواده چینی است که در آن محل استقرار واحد پدر و مادر در مهمترین نقطه حیاط محصور و پسران مجرد و ازدواج کرده در سمت شرق و غرب این حیاط قرار دارند. جنوب حیاط و فضای سرپوشیده واقع در آن محل استقرار خدمه خانه و ورودی خانه است.		
سکونتگاه اجتماعی - خانوادگی مبتنی بر کار جمعی (سگالن ۱۳۷۰، ۲۴)	این اجتماعات خانوادگی شکل‌های خاصی از گروه خانگی بودند که برای همکاری در تولید کشاورزی یا فراد اخوت یا ازدواج گرد هم می‌آمدند. این نمونه در اروپای قرون وسطی رواج داشت. علاوه بر بودن زیر یک سقف تحقق این خانه منوط به اشتراک در حداقلی از فعالیت‌های روزمره خانگی، همانند طبخ غذا بوده است.		
خانه اجتماعی بر اساس روابط تولیدی (Hubka & Kenny 2000; Noble 2007, 36)	خانه سنتی مهاجرین لهستانی در آمریکا نوعی سکونت هم‌خانگی بر اساس روابط تولیدی ایجاد می‌کرد. مبنای همزیستی خانگی در این نمونه‌ها گسترش افقی خانه بر اساس افزایش جمعیت خانواده یا نیروی کار خانگی بود.		
مسکن خانواده گسترده مهاجران ناحیه آپالاچی (Noble 2007, 33)	در این نوع مسکن مهاجران اولیه آمریکا یک خانوار، ابتدا یک کلیه تک اتاق برپا می‌کند که معمولاً محل نگهداری دام در پشت آن قرار دارد. با افزایش بعد خانوار (ازدواج یک فرزند)، خانواده جدید در کنار همان خانواده و در امتداد فضای آن، زیر یک سقف مستقر می‌شوند و راهرو دو طرف باز مابین در اینجا نقش شبیه حیاط مرکزی ایفا می‌کند. این عنصر به الگوی شاخص معماری مهاجران این ناحیه تبدیل شده است.		

جدول ۳: نمونه‌های سنتی کشورهای اسلامی برای استقرار خانواده گسترده

 <p>خانه‌های چندنسلی مکه (Mortada 2003)</p>	 <p>خانه‌های حیاط مرکزی چند همسری کویت (Anwarul Islam and Al-Sanafi 2006)</p>	<p>نمونه</p> <p>مبنای تشکیل خانواده گسترده</p>
 <p>خانه خانوار گسترده طولی و عرضی، جد (Mortada 2003)</p>	 <p>خانه چندنسلی زواره (معماریان ۱۳۷۱، ۴۰۴)</p>	<p>نمونه</p> <p>مبنای تشکیل خانواده گسترده</p>
 <p>خانه‌های چندنسلی شرق ترکیه (Ozdeniz et al 1998)</p>	 <p>خانواده چندنسلی در گیلان (برومیرزه ۱۳۸۸، ۴۰)</p>	<p>نمونه</p> <p>مبنای تشکیل خانواده گسترده</p>
 <p>خانه‌های چندنسلی غرب ترکیه (Ozdemir &amp; Gencosmanoglu 2007)</p>	<p>نمونه</p> <p>مبنای تشکیل خانواده گسترده</p>	

جدول ۴: الگوهای کالبدی استقرار خانواده گسترده (نمونه‌های سنتی کشورهای اسلامی بر اساس جدول ۳)

نمونه	الگوی کالبدی		
	توزیع دسته‌های وابسته	موقعیت افقی فضای اشتراکی	موقعیت عمودی فضای اشتراکی
خانه‌های حیاط مرکزی چند همسری کویت (Anwarul Islam and Al-Sanafi 2006)	الگوی حیاط مرکزی، امکان توسعه منظم خانه را با افزایش بعد خانوار فراهم می‌کند؛ ای افزایش بعد با تعدد فرزندان یا تعدد زوجات، واقع می‌شود و در صورت عدم کفایت بناها در چهار وجه حیاط، توسعه‌های بعدی با افزودن حیاط‌های بعدی - در بیرون محوطه یا در صورت عدم امکان توسعه بیرونی، با تقسیم حیاط مرکزی - انجام می‌شود.		
خانه‌های چندنسلی مکه (Mortada 2003)	توسعه عمودی روش دیگری برای جای دادن خانواده گسترده است. در این نمونه که متعلق به شهر مکه است، هر نسل، در یک طبقه مجزا جای داده می‌شود. پله در اینجا نقش حیاط را ایفا می‌کند. در این نمونه، فضاها مورد استفاده مشترک کل اعضای خانه - مانند اتاق نشیمن خانوادگی یا اتاق مهمان در طبقات مختلف در سمت خارجی پله (شرق) قرار داده شده است.		
خانه خانوار گسترده طولی و عرضی، جده (Mortada 2003)	در این نمونه که در شهر جدّه عربستان قرار دارد، در هر طبقه فوقانی، سه زوج (از همسران یا فرزندان فرد) می‌توانند سکونت کنند و علاوه بر دو پله، طبقه همکف خدمات مشترک اعضای خانواده شامل آشپزخانه و انبار را در بر دارد.		
خانواده چندنسلی در گیلان (پرومپژ ۱۳۸۸، ۴۰)	محوطه خانگی در خانه‌های بومی ناحیه گیلان محدوده نشانه‌گذاری شدیدی است، که سکونت خانوارهای مرتبط با واحد تولیدی روستایی و امکانات این تولید را در خود جای می‌دهد. فضای مشترک در اینجا عملاً تمام محدوده احاطه‌کننده لکه‌های مسکونی تک خانواری است.		
خانه چندنسلی زواره (معماریان ۱۳۷۱، ۴۰۴)	در نمونه زواره فضاهای اقامتی خانوادگی حول یک فضا یا پلان چلیپایی و دارای نورگیر سقفی مستقر شده است که بازوهای این فضایی بسته هر یک بخشی از فعالیت‌های عمومی خانوار گسترده را در خود جای می‌دهد.		
خانه‌های چندنسلی شرق ترکیه (Ozdeniz et al 1998)	«هرآن» ناحیه‌ای است در ترکیه که بلحاظ ساختار خشکی و گنبدی در حوزه مدیترانه نادر است. اما بلحاظ ساختار اجتماعی و نحوه توسعه کالبدی، نمونه‌ای از توسعه خانواده گسترده را در آن می‌توان دید. هر خانه جدید یا چند اتاق کوچک در یک محوطه بزرگ مشخص شده با دیوارها، شروع می‌شود و بتدریج که فرزندان ازدواج می‌کنند و خانواده گسترده می‌شود، اتاق‌های بیشتری در آن محوطه ساخته می‌شود و تراکم، افزایش می‌یابد.		
خانه‌های چندنسلی غرب ترکیه (Ozdemir & Gencosmanoglu 2007)	در سازماندهی اجزای خانه سنتی، پیش بینی گسترش بعد خانوار یک ضرورت است. در نمونه سنتی ترکی، که متکی به حیاط مرکزی نیست، «اودا»ها (اتاق) به عنوان عنصر اصلی و خصوصی‌ترین بخش زندگی، حول یک فضای سرپوشیده مشترک (سوقا) توسعه می‌یابند و بخشهای افزوده به دنباله این قسمت اضافه می‌شود. سوقا مهم‌ترین بخش خانه ترکی و به عنوان نشیمن عمومی خانواده مورد استفاده است و ایوان، تقریباً همین نقش را متناهی در لبه مشترک بیرونی اتاق‌ها دارد.		

جدول ۵: نمونه‌های معاصر استقرار خانواده گسترده

		<p>نمونه</p>
<p>خانه چندنسلی آمیخته مبتنی بر خدمات مذهبی (Scott 1992)</p>	<p>خانه اجتماعی شیکرها مبتنی بر جدایی جنسیتی (Hayden 1982, 44)</p>	<p>مبنای تشکیل خانواده گسترده</p>
		<p>نمونه</p>
<p>سکونتگاه اشتراکی رابرت اوپن (Roberts, 1989, 24)</p>	<p>سکونتگاه اجتماعی ضد مذهبی فوریه (Hayden 1982, 146)</p>	<p>مبنای تشکیل خانواده گسترده</p>
		<p>نمونه</p>
<p>خانه‌های قمینستی (Franck 1994, 139)</p>	<p>جوامع گنبدی (www.loc.gov) دسترسی در ۸/۲/۹۸</p>	<p>مبنای تشکیل خانواده گسترده</p>



جدول ۶: الگوهای کالبدی استقرار خانواده گسترده (نمونه‌های معاصر بر اساس جدول ۵)

الگوی کالبدی		نمونه
موقعیت عمودی فضای اشتراکی	موقعیت افقی فضای اشتراکی	توزیع دسته‌های وابسته
		خانه شیکرها مبتنی بر جدایی جنسیتی (Hayden 1982, 44)
		خانه چندنسلی آمیSHA مبتنی بر خدمات مذهبی (Scott 1992)
		فالاتستر» شارل فوریه (۱۸۳۷-۱۷۷۲) از مشهورترین اتوبیاهای سوسیالیستی ارائه شده در قرن نوزدهم است. «فوریه همواره به دنبال جامعه‌ای اشتراکی برای ۱۶۰۰ نفر (۴۰۰ خانوار) بود. او می‌گفت: چرا ۴۰۰ تا اشتبزان، ۴۰۰ انباری، ۴۰۰ رختشویخانه داشته باشیم وقتی که یکی کافیت و چرا باید ۴۰۰ خانه یا ساختمان داشته باشیم. وقتی می‌توانیم یک خانه را برای ۴۰۰ خانوار بسازیم» وی در مورد ساختار خانواده نیز «خاستگاه مشکلات را در ازدواج قانونی می‌دید و آن را نوعی معامله اقتصادی — تجاری، بین انسان‌ها قلمداد می‌کرد» (باکارد ۱۳۸۶، ۶۴-۵۸).
		الگوی پیشنهادی برای سکونتگاه اشتراکی رابرت اونن به صورت یک بلوک شهری سنتی اروپایی در مقیاس خیلی بزرگ ارائه شده است که در آن تأسیسات اشتراکی در فضای باز بلوک، و لبه‌های آن قرار می‌گیرد. مفهوم مسکن در اینجا با توجه به نوع خدمات اشتراکی در حد یک خوابگاه تنزل می‌کند. (Roberts, 1989, 24)
		جوامع گنبدی با واکنش کسانی کسانی تشکیل شد که همزمان با خواست برای بازگشت به غریزه طبیعی، خواهان حفظ تکنولوژی در بالاترین سطح خود بودند. برخی از اینها زندگی اشتراکی و برخی زندگی خانوادگی انتخاب کردند. نمونه رد راگز در سال ۱۹۷۳ بر اساس زندگی اشتراکی بدون مرز آغاز شد و به تدریج فضای زیر گنبد دارای عرصه نیمه خصوصی به صورت نیم طبقه شد. این روند بازگشت از حالت اشتراکی به خصوصی، نهایتاً منجر به جدایی افراد جامعه از هم شد.
		پیشنهادهای متأخر فمینیستها برای تعریف خانواده‌های بدون مرد در قالب تعدادی طرح پایه از سوی کارن فرانک پیشنهاد شد. در این خانه‌ها زنان، و احتمالاً کودکان، به صورت فردی و یا اشتراکی اتاق‌های خصوصی در اختیار دارند و خدمات خانگی عمدتاً در فضاهای اشتراکی در همکف یا طبقات مختلف ارائه می‌شود که به اتاق‌های اختصاصی ارتباطاً دارد (Franck 1994, 139)

## ۲. مطالعه موردی: بررسی تداوم ساختار خانواده گسترده در میان مهاجران افغانی در ایران

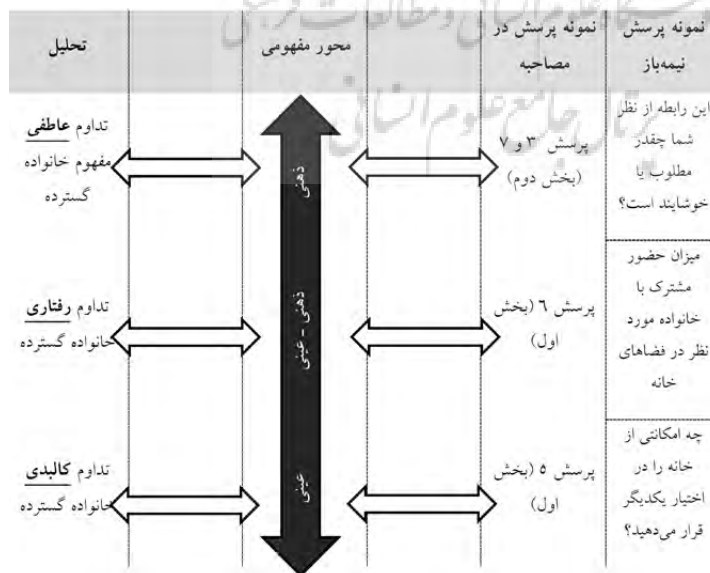
برای روشن تر کردن وضعیت خانواده گسترده به عنوان یک الگوی ایدئالی در اسلام در دوره معاصر و امکان بازتولید این الگو در جامعه غیرسننتی پیمایش میدانی روی مهاجران افغانی در نظر گرفته شد. علت این انتخاب شایع بودن نسبی خانواده گسترده در جامعه معاصر افغانستان (حصاری ۱۳۷۶، ۷۱) و حضور و سکونت طولانی مدت آنان در جامعه ایرانی است. ویژگی اول امکان مردم‌نگاری جامعه انتخابی را در حوزه موضوع خانواده گسترده فراهم می‌کند (در مقایسه با جامعه ایران که خانواده گسترده در آن نمود چندانی ندارد) و ویژگی دوم این بررسی را تا حدی برای جامعه موجود ایران سودمند جلوه می‌دهد. نزدیکی فرهنگی تاریخی ایران و افغانستان از یک سو و تداوم وجوهی از سکونت در قالب خانواده گسترده در شهر ایرانی از سوی این مهاجران، این مطالعه موردی را برای بسترسازی بازگشت به الگوی ایدئالی اسلامی خانواده، واجد اهمیت نشان می‌دهد.

از سال ۱۳۵۲ به دنبال سقوط محمدظاهر شاه و متعاقب آن کودتای رهبر حزب خلق در سال ۱۳۵۷ ایران یکی از کشورهای پذیرای مهاجران افغانی بود (احمدی موحد ۱۳۸۲). موج اصلی مهاجرت افغان‌ها پس از ورود ارتش شوروی در سال ۱۳۵۸ آغاز شد (پهلوان ۱۳۶۷). اقامت مهاجران افغان در ایران برخلاف انتظار بسیار طولانی مدت شد و این طولانی شدن موجب مراودات بین مهاجران و جمعیت ایرانی گردید. که تعداد آن‌ها در برخی از سال به ۲/۸ میلیون نفر می‌رسید (احمدی موحد ۱۳۸۲).

### ۱.۲ نحوه انتخاب نمونه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات

با توجه به پراکندگی سکونتگاه‌های این مهاجران در اکثر شهرها و در نقاط مختلف بافت‌های شهری برای مردم‌نگاری نسبت سکونتگاه به ساختار خانواده این مهاجران، برای پژوهش حاضر از نمونه‌گیری هدفمند با معیار قابلیت دسترسی به خود افراد و سوابق آن‌ها استفاده شد. و تعداد ۳۶ خانوار افغان از ناحیه قم و مرتبطان آن‌ها در شهرهای نزدیک به قم انتخاب شدند. با توجه به اینکه اکثر مهاجران شیعه افغانی در سه منطقه خراسان شمالی، تهران، و قم ساکن شده‌اند (همان). انتخاب شهر قم می‌تواند ویژگی‌های عمومی پرسش تحقیق را مشخص کند. دستیابی به ۳۶ نمونه مورد نظر با فرایند مشابه روش گلوله‌برفی انجام شده است. برای تهیه اطلاعات مردم‌نگاری دو مرحله مطالعه انجام شد. برای این دو مرحله می‌توان چارچوب نظری مطابق نمودار زیر (جدول ۷) در نظر گرفت که طرح پرسش‌ها و تحلیل‌های نتایج بر اساس آن تنظیم شده است.

جدول ۷: ساختار نظری طرح پرسشنامه و تحلیل آن



در مرحله اول با استفاده از ابزار مشاهده، پرسشنامه باز، و نیمه‌باز و مصاحبه، اطلاعات خانواده‌های مهاجر برداشت شد. برای هدایت مصاحبه‌ها، مصادیق تفصیلی و خرد زیست خانواده گسترده از لحاظ کالبدی و رفتاری در فاکتورهایی متنوعی که در جداول ۸ و ۹ دیده می‌شود، جمع‌بندی گردید که همین جداول نیز به‌عنوان پرسشنامه نیمه‌باز مورد استفاده قرار گرفته است. برای مرحله دوم از مصاحبه عمیق با سه نفر، که تجارب زندگی آن‌ها پرکننده طیف نسبتاً کاملی از خاطرات زیسته باشد، استفاده شد. این سه نفر همگی تجربه زندگی در افغانستان دارند و هریک، در یکی از دهه‌های سوم، چهارم یا پنجم عمر خود به سر می‌برند. شواهد به‌دست‌آمده از این سه مصاحبه برای تکمیل علت‌ها و پدیده‌های به‌دست‌آمده از مرحله اول به کار گرفته شد. افراد مورد نظر، به ترتیب با کدهای A1، A2 و A3 معرفی شده‌اند. برای هدایت بهتر مصاحبه‌های عمیق از تعدادی پرسش راهنما استفاده گردید که در جدول ۶ معرفی شده است.

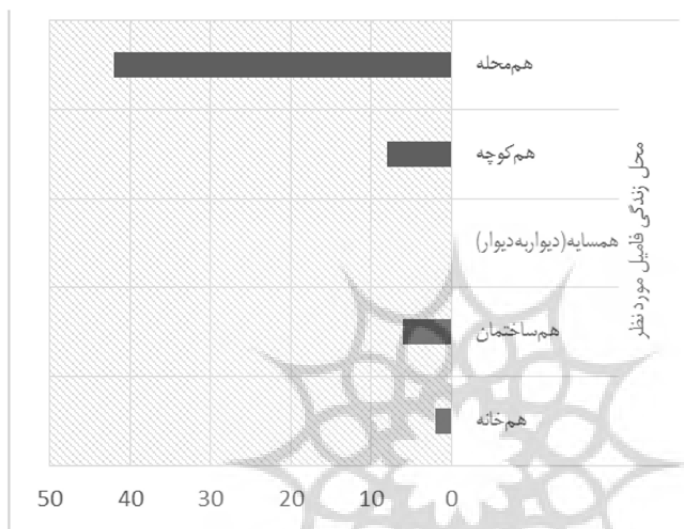
جدول ۸: پرسشنامه نیمه‌باز عوامل کالبدی رفتاری مرتبط با ساختار خانواده گسترده

نوع ارتباط با خانواده مورد نظر قبل از مهاجرت	انگیزه اصلی رفت‌وآمد (به هر یک موارد در صورت وجود عدد ۱ تا ۵ نسبت داده شود: ۱=میزان خیلی کم، ۲=میزان کم، ۳=میزان نسبی، ۴=میزان زیاد، ۵=میزان خیلی زیاد)						در طول هفته چند بار به خانه هم می‌روید	محل زندگی فامیل مورد نظر				معرفی خانواده (نسبت خانواده با فرد پاسخ‌دهنده)	مدت سکونت در محل فعلی	زمان مهاجرت	
	غلت دیگر (ذکر شود)	غلت دیگر (ذکر شود)	نقطه سر زدن و خیز گرفتن	حضور بچه‌های هم‌بازی با هم	بچه‌داری	کار خانگی مشترک (مثل منبری، شست‌وشو، آشپزی و ...)		کار اقتصادی مشترک	هم‌خانه	هم‌کوپه	همسایه (دور یا نزدیک)				هم‌ساختمان

جدول ۹: ادامه پرسشنامه نیمه‌باز عوامل کالبدی رفتاری مرتبط با ساختار خانواده گسترده

میزان حضور مشترک با خانواده مورد نظر در فضاهای خانه (به هر یک موارد در صورت وجود عدد ۱ تا ۵ نسبت داده شود: ۱=میزان خیلی کم، ۲=میزان کم، ۳=میزان نسبی، ۴=میزان زیاد، ۵=میزان خیلی زیاد)												این رابطه از نظر شما چقدر مطلوب یا خوشایند است؟											
آب و هوا	نشین	کام	آب و هوا	نشین	کام	آب و هوا	نشین	کام	آب و هوا	نشین	کام	آب و هوا	نشین	کام	آب و هوا	نشین	کام	آب و هوا	نشین	کام			
میزان حضور مشترک با خانواده مورد نظر در فضاهای خانه (به هر یک موارد در صورت وجود عدد ۱ تا ۵ نسبت داده شود: ۱=میزان خیلی کم، ۲=میزان کم، ۳=میزان نسبی، ۴=میزان زیاد، ۵=میزان خیلی زیاد)																							

از میان ۳۶ خانوار مورد مصاحبه، ۲۰ خانوار با بیش از یک خانوار در ارتباط خانوادگی گسترده هستند. تداوم کلیدی خانواده گسترده به صورت هم‌خانگی تعداد کمی را شامل می‌شود (۲ مورد - نک: تصویر ۲). اما حضور در فاصله کم و قابل رفت‌وآمد، یک الگوی رایج بین این مهاجران است که به تبع آن می‌توانند حضور روزمره برای فعالیت‌های خانوادگی گسترده را تداوم بخشند به نحوی که تعداد متوسط «سرزدن» این خانواده‌ها به یکدیگر، در طول هفته به بیش از سه مرتبه می‌رسد.



تصویر ۲: تعداد و نحوه حضور خانواده مرتبط در نزدیکی خانواده مصاحبه‌شونده

برای تحلیل اطلاعات برداشت‌شده نیز از سه محور مفهومی مرتبط با بحث (مندرج در جدول ۷) استفاده شد. یک محور ذهنی که ویژگی‌های عاطفی نسبت به تداوم خانواده گسترده را پوشش می‌دهد؛ یک محور عینی‌ذهنی که رفتارهای فردی و جمعی مرتبط با خانواده گسترده را شامل می‌شود؛ و یک محور عینی که کیفیات کلیدی خانه‌های محل سکونت افراد را در ارتباط با موضوع خانواده گسترده تحلیل می‌کند. در مقاله حاضر، محور سوم، یعنی محور کلیدی ارائه می‌شود.

جدول ۱۰: پرسش‌های مصاحبه عمیق با افراد دارای تجربه زندگی در خانواده جمعی در افغانستان و نسبت آن با ساختار نظری جدول ۷

کالبدی	رفتاری	عاطفی	پرسش‌های بخش دوم	کالبدی	رفتاری	عاطفی	پرسش‌های بخش اول
			۱. مالکیت خانه شما در ایران چگونه است؟ (مالک، مستاجر، خانه پدری، خانه اقوام و یا ...)				۱. مالکیت خانه شما در افغانستان چگونه بود؟ (مالک، مستاجر، خانه پدری، خانه اقوام و یا ...)
			۲. خانه شما در داخل شهر است، حاشیه شهر یا روستا؟				۲. خانه شما در شهر بود یا روستا؟
			۳. آیا امکان حضور افراد و خانواده‌های فامیل در خانه شما وجود دارد؟ امکان سکونت با مهمان کردن چند خانواده در آن وجود دارد؟ در صورت عدم امکان حضور ایشان در خانه شما (بصورت مهمان یا سکونت) این موضوع را مطلوب می‌دانید یا نا مطلوب؟ (علل آن توضیح داده شود)				۳. در خانه افغانستان شما چه کسانی زندگی می‌کردند؟ نسبت خانوادگی آنها با شما چگونه بود؟ کدامیک متأهل و کدامیک مجرد بودند؟

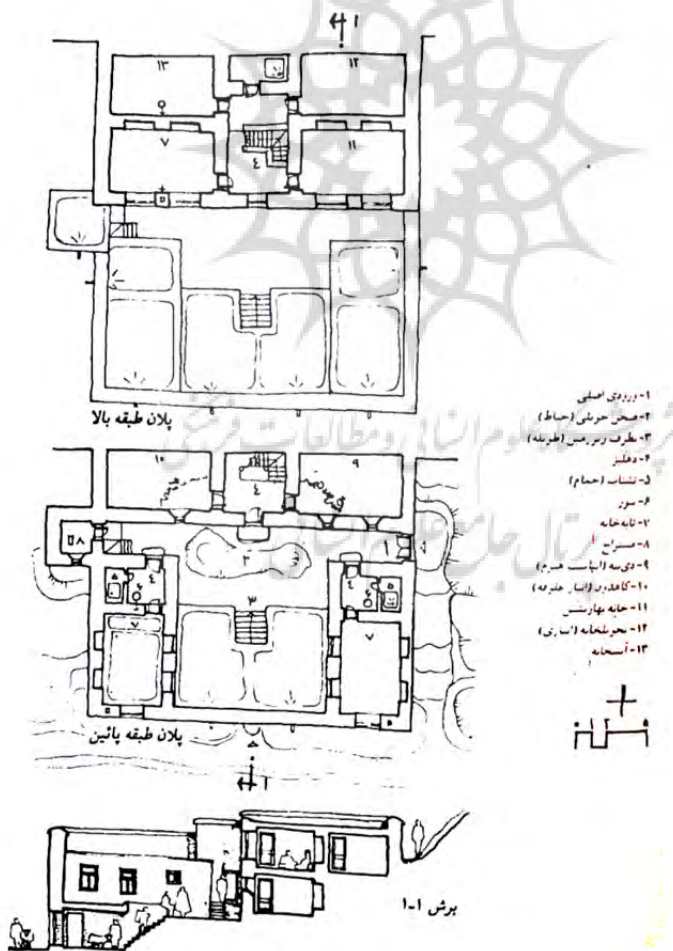
			۳. آیا امکان حضور افراد و خانواده‌های فامیل در خانه شما وجود دارد؟ امکان سکونت یا مهمان کردن چند خانواده در آن وجود دارد؟ در صورت عدم امکان حضور ایشان در خانه شما (بصورت مهمان یا سکونت) این موضوع را مطلوب می‌دانید، یا نا مطلوب؟ (علل آن توضیح داده شود)		۳. در خانه افغانستان شما چه کسانی زندگی می‌کردند؟ نسبت خانوادگی آنها با شما چگونه بود؟ کدامیک متأهل و کدامیک مجرد بودند؟
			۴. ساکنین خانه شما در ایران چه کسانی هستند؟ نسبت آنها با شما چگونه است؟		۴. خانه مورد نظر چند اتاق داشت؟ آیا خانه شما حیاط داشت؟ وضعیت استقرار هر یک از افراد خانواده در آنها چگونه بود؟ (خیلی خوب است اگر از وضعیت اتاقها نسبت به هم و همچنین ابعاد حدودی آنها و اینکه این فضاها در اختیار چه کسانی بوده است، در یک کروکی معرفی شود)
			۵. خانه مورد نظر چند اتاق دارد؟ آیا خانه شما حیاط اختصاصی دارد؟ در صورت وجود حیاط چه استفاده‌هایی از آن می‌کنید؟ (در این مورد هم خیلی خوب است اگر از وضعیت اتاقها نسبت به هم و همچنین ابعاد حدودی آنها و اینکه این فضاها در اختیار چه کسانی است، و چه فعالیت‌هایی که جمعی و اختصاصی در آنها در یک کروکی معرفی شود)		۵. توضیح دهید چه فضاهایی اختصاصی به یک خانوار (مثل خانواده پسر و همسرش یا خانواده دختر با شوهرش و ... که در این خانواده گسترده زندگی می‌کردند) داشت و کدامیک از فضاها عمومی بود (اتاق خصوصی برای خانواده‌ها وجود داشت؟ یا بخشی از اتاق اختصاصی بود؟ یا مثلاً در روز عمومی و در شب اختصاصی بود و یا حالات دیگر)
			۶. در صورتی که افراد دیگری با شما زندگی می‌کنند وضعیت شغلی و درآمدی آنها چگونه است؟ (شغل مستقل دارند یا عاری فعالیت مشترک کاری با شما هستند) مکان سکونت آنها در خانه کجاست؟ آیا زندگی با ایشان مشکلاتی را به همراه دارد؟		۶. آیا همسایگان شما نیز از بستگان و فامیل شما بودند؟ خانه آنها در چه فاصله‌ای از خانه شما قرار داشت؟ چه نوع ارتباطی با آنها داشتید؟ (کاری، مهمانی مشترک، مراسم مذهبی مشترک، سرزدن، صرفاً احوال‌پرسی، هیچ رابطه‌ای نداشتید و یا ...)
			۷. در میان همسایگان شما کسی از بستگان و فامیل شما زندگی می‌کنند؟ در صورت پاسخ مثبت، خانه آنها در چه فاصله‌ای از خانه شما قرار دارد؟ چه نوع ارتباطی با آنها دارید؟ (کاری، مهمانی مشترک، مراسم مذهبی مشترک، سرزدن، صرفاً سلام و احوال‌پرسی در کوچه و خیابان، هیچ نوع رابطه‌ای ندارید، یا ...). این موضوع از نظر شما مطلوب است یا نامطلوب؟ (علل مطلوب و نامطلوب بودن موضوع را شرح دهید)		۷. معیشت خانواده چگونه تأمین می‌گردد؟ (دامداری، کشاورزی، کاسبی و ...)

## ۲.۲. تداوم کالبدی ساختار خانواده گسترده

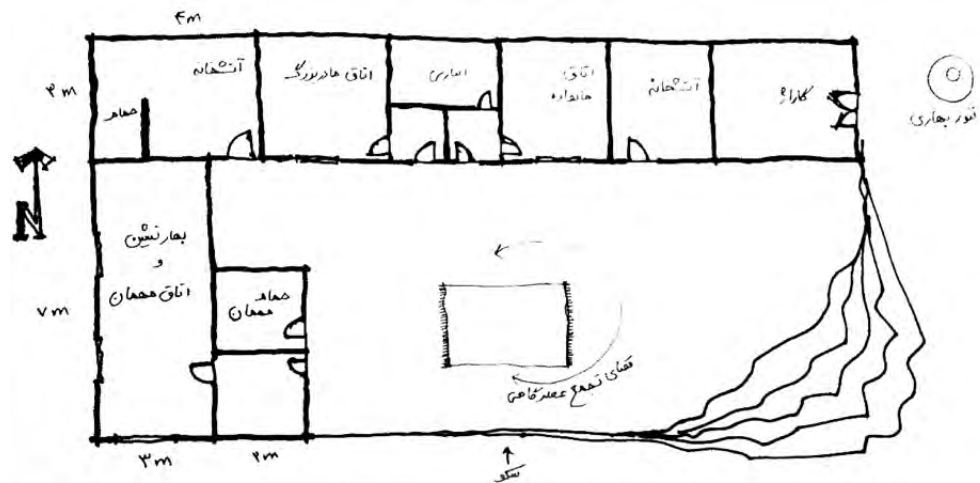
مقایسه الگوی کالبدی سنتی خانه‌های مناطق مرکزی افغانستان (تصاویر ۳، ۴ و ۵) با الگوهای بررسی شده در جدول ۳ و ۴ (الگوهای سنتی عالم اسلام) نشان می‌دهد که برای استقرار خانواده گسترده در مدل افغانی استقلال بیشتری میان خانواده‌های ساکن در یک خانواده لحاظ شده است؛ به نحوی که معمولاً هریک، پله و خدمات (آغل، آتش‌خانه و...) اختصاصی خود را دارند و تنها فضاهای کالبدی مشترک، حیاط و مهمانخانه (بهارنشین) است. این مدل کالبدی با الگوهای بدون حیاط مربوط به عربستان و ترکیه در جدول ۳ و ۴ قابل مقایسه است. با این حال، این الگو در فصل سرد تغییر می‌کند و یکی از تابه‌خانه‌ها تبدیل به فضای استقرار مهمان می‌شود (A2). در همان فصل گرم نیز عملاً حیاط نقش آسپوزخانه اشتراکی را نیز ایفا می‌کند (A1 و A2 و A3).



تصویر ۳: یک نمونه از خانه‌های مناطق مرکزی افغانستان (حصاری ۱۳۷۶، ۱۱۵).



تصویر ۴: یک نمونه از خانه‌های مناطق مرکزی افغانستان (همان، ۱۲۱).



تصویر ۵: یک نمونه از خانه‌های مناطق مرکزی افغانستان (A1)

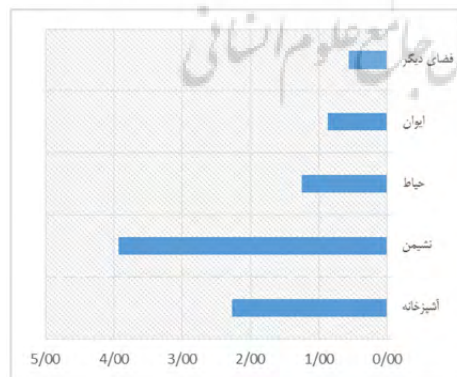
اطلاعات مردم‌نگاری جمع‌آوری شده، در نمودارهایی مبتنی بر «فراوانی» و «میانگین» تداوم کالبدی خانواده گسترده (که امکان تحقق آن در وضعیت زندگی مهاجری فراهم بوده است)، جمع‌بندی شده است (تصویر ۶ و ۷). نمودار ۶ نشان‌دهنده آن است که سه فضای نشیمن، آشپزخانه و حیاط بیش از فضاهای دیگر محل وقوع رفتارهای خانواده گسترده است. اگر وضعیت کالبدی این فضاها با مدل خانه‌های هزاره‌جات مقایسه شود، معادل‌سازی فضاهای گذشته در فضاهای جدید قابل ادعا خواهد بود. حیاط و آشپزخانه کنونی، علاوه بر کارکرد رایج، مجموعاً وظیفه حیاط خانه‌های سنتی را نیز ایفا می‌کنند. همچنین فضای نشیمن نیز، در نبود حیاط جایگزین آن می‌شود و در صورت بودن حیاط، نقش بهارنشین (فضای مهمان) را ایفا می‌کند. بنا بر اظهارات مصاحبه‌شونده A2:

خانه ما یک آشپزخانه، یک اتاق جدا و دو اتاق تودرتو دارد. هرکدام از اتاق‌ها ۲۰ مترند. حیاط اختصاصی دارد که برای شست‌وشو و خشک کردن فرش و لباس، آشپزی در مهمانی‌های بزرگ و... استفاده می‌شود. وقتی مهمان‌ها شب می‌مانند مردها در اتاق‌های تودرتو می‌خوابند و خانم‌ها در اتاق جدا. در مراسم‌ها هم به همین شکل مردها در اتاق‌های تودرتو جمع می‌شوند و زن‌ها در اتاق جدا.

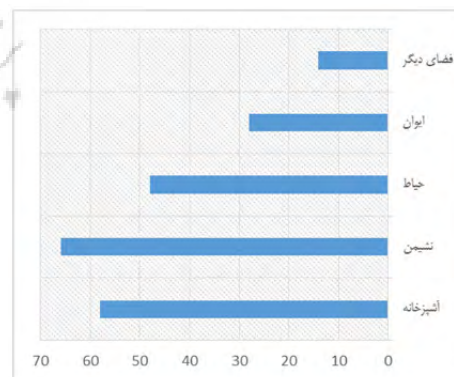
## مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۱۶ - پاییز و زمستان ۹۸

۱۴۷



تصویر ۷: نمودار میانگین اهمیت (سمت چپ)



تصویر ۶: نمودار تعداد وقوع (سمت راست)

در عین حال، این تداوم الگو ممکن است با نوعی نوآوری در استفاده از فضاها ایجاد شود؛ مثلاً مصاحبه‌شونده A1 چنین اظهار می‌کند:

خانه ما آپارتمانی است. پارکینگ و سه طبقه که هر کدام یک پذیرایی و دو خواب ۹ متری دارند. حیاط نداریم، اما از پشت‌بام به‌جای حیاط استفاده می‌کنیم. به‌غیر از جای کولر و آنتن و این‌طور چیزها برای پهن کردن لباس و پرورش گل و گیاه هم استفاده می‌کنیم. وقت‌هایی که مراسم می‌گیریم در پارکینگ آشپزی می‌کنیم. مردها آشپزی می‌کنند و من کارهای خرده‌ریزه را انجام می‌دهم (A1).



تصویر ۸: یک نمونه از مسکن مهاجرین ناحیه هزاره‌جات در ایران (A1)

تحلیل پاسخ‌ها نشان می‌دهد که اکثر خانواده‌ها انواع امکانات مادی و کالبدی خود را با خانواده‌های مرتبط به میزان زیاد به اشتراک می‌گذارند. این نحوه برخورد در الگوی اصلی خانواده گسترده در افغانستان، از جنبه‌های مختلف رایج بوده است. پاسخ‌دهنده A2 در این رابطه موارد قابل توجهی را ذکر می‌کند:

معمولاً در خانواده‌ها اگر فرزندی ازدواج می‌کند که قدرت فراهم کردن خانه جدا را نداشت، یکی از اتاق‌های خانه به او و همسرش تعلق می‌گرفت. که برای خواب از آن استفاده می‌کردند. اما در طول روز همه کارها از قبیل پخت‌وپز، شست‌وشو و خوردن غذا را مشترک با سایر اعضای خانواده انجام می‌دادند. وقتی که مهمان می‌آمد تابه‌خانه در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت و از آن‌ها پذیرایی می‌شد. فقط خانه برادرشوهرم و خانه پدرشوهرم در همسایگی ما بودند. در آنجا چه فامیل چه غیرفامیل با هم ارتباط تنگاتنگ دارند. در کشاورزی، چون از یک جوی آب زمین‌های اهالی تأمین می‌شود، مردم به نوبت زمین خود را آبیاری می‌کنند. در مراسم‌های مذهبی همه جمع می‌شوند و با هم تدارک می‌بینند. وقتی کسی فوت می‌کنند همه همسایه‌ها برای تسلیت و همدردی به خانواده داغدار سر می‌زنند. در جایی که ما زندگی می‌کردیم، زمین هموار بود و خانه‌ها فشرده، نزدیک به نزدیک هم، ساخته شده بودند.

با انتقال این افراد به ایران تمایل به نوع ارتباط ذکرشده در وضعیت بومی کاملاً وجود دارد همانند پاسخ‌دهنده A1 که همان الگوی رفتار را با خانواده خواهر خود درباره مهمانی‌ها ادامه داده است. پاسخ‌دهنده A3 موانع ادامه این الگو را در شکل مخالفت‌های جامعه اطراف و کمبود امکانات کالبدی ذکر می‌کند. وضعیت وقوع رفتارها در تصویر ۸ (پلان خانه A1 در ایران) که امکانات نسبی برای به اشتراک‌گذاری فضا دارد، نشان می‌دهد که در صورت وجود تسهیلات مادی، رفتارهای اشتراکی کاملاً امکان رخ دادن دارد.





تصویر ۹: وضعیت به اشتراک گذاری فضاها برای رفتارهای خانوادگی گسترده در نمونه A2 (ترسیم حین مصاحبه با ساکنان)

## نتیجه

به‌رغم اهمیت خانواده گسترده در اسلام، تحلیل الگوهای کالبدی و رفتاری مرتبط با آن، تاکنون به‌نحوی انجام نشده است که بتواند زمینه‌ای برای تداوم آن در روزگار کنونی فراهم کند. نخستین دستاورد این پژوهش در حوزه تاریخی سنتی، معرفی تعداد زیادی الگو، به‌جز حیاط مرکزی، در جوامع سنتی اسلامی برای خانواده گسترده است. موضوع دوم، وجود گستره وسیعی از قالب‌های کالبدی مرتبط با خانواده گسترده در جوامع سنتی خارج از عالم اسلام است که به‌عنوان دستاورد دوم پژوهش، در جداول ۲ و ۴ و ۶ معرفی شده است. همچنین با بازتعبیر از مفهوم گستردگی خانواده در این پژوهش، نمونه‌های زیادی از عالم مدرن (مذهبی و غیرمذهبی) با موضوع خانواده گسترده، پیوند داده شده است. این سه نتیجه، خود بستر وسیعی را برای پژوهش‌های آینده درباره موضوع خانواده گسترده باز می‌کند و با پژوهش موردی انجام‌شده روی مهاجران افغانستان، یکی از این مباحث پیگیری شد و آن، تداوم الگوهای کالبدی رفتاری از جامعه سنتی به خانه‌های مدرن بود. بررسی حاضر نشان داد که افرادی که پیشینه و تجربه زیست در خانواده گسترده درون کالبد سنتی داشته‌اند، نه تنها نسبت عاطفی با الگوهای رفتاری مربوط به خانواده گسترده را تا حد زیادی حفظ می‌کنند، بلکه امکانات اندک کالبد مدرن را نیز در جهت بازتولید الگوهای فضا - رفتار گذشته به‌فعلیت درمی‌آورند. بخشی از این‌گونه بهره‌برداری از قابلیت‌های محیطی ظاهراً نامتجانس با خانواده گسترده، در مقیاس کلان رخ می‌دهد و بخشی در مقیاس خرد. در مقیاس کلان شبکه‌ای از نقاط کالبدی محلی در قطعاتی از زمان به هم متصل می‌شوند و فعالیت‌های مشترک خانواده گسترده در آن رخ می‌دهد. نزدیکی این وضعیت، با مفاهیم محله و واحد همسایگی، می‌تواند راه را برای پژوهش‌های بعدی از منظر نقش مقیاس محله در تداوم الگوی خانواده گسترده هموار کند. اما در مقیاس خرد، استفاده از حیاط برای پخت‌وپز و همکاری جمعی، اختصاص یک طبقه به مهمان‌ها، استفاده از پارکینگ به‌عنوان آشپزخانه جمعی، جلوه‌هایی از این تداوم الگوهای فضا - رفتار است. به این صورت می‌توان پیش‌بینی کرد که در صورت ارائه قابلیت‌های محیطی کافی به این نوع کاربران، امکان احیای الگوی کالبدی خانواده گسترده به‌خوبی وجود دارد. این خود می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی باشد.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد. ۱۳۷۱. *الکامل (کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران)*. ترجمه ابو القاسم حالت و عباس خلیلی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- احمدی موجد، محمد. ۱۳۸۲. ویژگی‌های جمعیتی اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی با تأکید بر مهاجران افغانی در ایران. فصلنامه جمعیت (۴۲ و ۴۴): ۵۱-۲۵.
- اعزازی، شهلا. ۱۳۹۴. *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- برونرژ، کریستیان. ۱۳۷۰. مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان (مطالعات مردم‌شناسی). ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، گروه علوم اجتماعی؛ استانداری گیلان.
- بستان، حسین. ۱۳۸۳. *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۶. *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی از آرمان تا واقعیت*. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- پهلوان، چنگیز. ۱۳۶۷. حال و روز مهاجران افغانی در ایران. آدینه (۲۳): ۱۰-۱۸.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری؛ وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، دفتر معماری و طراحی شهری.
- حصاری، سلطان حسین. ۱۳۷۶. *ساماندهی معماری مسکن مناطق مرکزی افغانستان - هزاره‌جات*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- راپوپورت، ایماس. ۱۳۸۸. *انسان‌شناسی مسکن*. ترجمه خسرو افضلیان. تهران: حرفه هنرمند.
- ساروخانی، باقر. ۱۳۷۰. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: سروش انتشارات صدا و سیما.
- سگالن، مارتین. ۱۳۷۰. *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه حمید الیاسی. تهران: مرکز.
- قرائتی، محسن. ۱۳۸۳. *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۵. *اصول کافی*. ترجمه محمدباقر کمرهای. قم: اسوه.
- مرتضی، هشام. ۱۳۸۷. *اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام*. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- مظاهری، علی‌اکبر. ۱۳۷۳. *خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام*. با مقدمه پل فوکونه و حامد فولادوند. ترجمه عبدالله توکل. تهران: قطره.
- معماریان، غلامحسین. ۱۳۷۱. *آشنایی با معماری مسکونی ایران: گونه‌شناسی درون‌گرا*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مکارم، ناصر. ۱۳۷۳. *ترجمه قرآن*. قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- Anwarul Islam, M. and Nawal H. Al-Sanafi. 2006. The traditional courtyard house of Kuwait and the influence of Islam. *Courtyard Housing: Past, Present and Future*. New York: Taylor and Francis: 112-126.
- Franck, Karen A, 1994. Questioning the American dream: recent housing innovation in the united states. *Husing Women*. Edited by R. Gilroy and R. Woods. UK: Routledge.
- Hausner, L., D. Freeman. 2009. *The Legacy Family: The Definitive Guide to Creating a Successful Multigenerational Family*. Palgrave MacMillan.
- Hayden, D. *The Grand Domestic Revolution A History of Feminist Designs for American Homes, Neighborhoods and Cities* 1982

- <http://www.memernews.com>
- Hubka Thomas C. and J. T. Kenny .2000. Perspectives in Vernacular Architecture. *People, Power, Places* (8): 33-52.
- Mortada, Hisham.2003. *Traditional Islamic principles of built environment*. London: Routledge Curzon.
- Noble, A.G. 2007. *Traditional buildings global survey structural forms and cultural function*. London: I.B.Tauris.
- O'zdeniz MB, A. Bekleyen, A. Go'nu'II, H. Go'nu'1, H. Sarigu'1, T. Ilter, N. Dalkilic, M. Yildirim. 1998. Vernacular domed houses of Harran, Turkey. *Habitat Int* 22 (4): 477-485.
- Ozdemir, I. M. and A. B. Gencosmanoglu. 2007. Metamorphism in culture and housing design: Turkey as an example. *Building and Environment* (42): 1445-1452
- Petruccioli, Atillio. 2006. The courtyard house: typological variations over space and time. *Courtyard Housing: Past, Present and Future*. New York: Taylor and Francis: 2-26.
- Roberts, Andrew .1989. Radicals, Socialists and Early Feminists. <http://studymore.org.uk/SHE8.htm>
- Sanoff, H. 2000. *Community Participation Methods in Design and Planning*. New York: Wiley and Sons Inc.
- Schmitz, Jared and Arijit Sen. 2015. *Picturing Milwaukee: Washington Park Neighborhood*. USA: Architecture Faculty Books.
- Schoenauer, N. 2000. *6000 Years of Housing*. expanded and revised ed. USA: W.W.Norton and Company Inc.
- Scott, Stephen.1992. *Amish houses and barns*. Issue 11 of People's Place Booklet. Indiana: Good Books.
- Schmitz, Jared and Sen, Arijit. 2015. *Picturing Milwaukee: Washington Park Neighborhood*. (2015). Architecture Faculty Books. 6. [https://dc.uwm.edu/sarup\\_facbooks/6](https://dc.uwm.edu/sarup_facbooks/6)
- Teige, Karel. 2002. *The minimum dwelling*. Translated and introduced by Eric Dluhosch. US: Massachusetts Institute of Technology.
- <https://www.loc.gov/resource/hhh.il0995.sheet>



مطالعات معماری ایران  
دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۱۶ - پاییز و زمستان ۹۸